

## عنوان مقاله:

بررسی کارکرد صفت در تاریخ بیهقی

## محل انتشار:

هفتمین همایش بین المللی زبان و ادبیات فارسی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

## نویسنده:

سپیده رحمتی افرایلی - دانشجوی دکترای رشته ی زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سمنان

## خلاصه مقاله:

علم دستور زبان فارسی، قواعد، سازه ها و عناصر زبان فارسی را شامل می شود. کارکردهای معنایی و چگونگی ترکیب و تعبیر هر یکی از آنها به حیطه ی زبان شناسی و معناشناسی مرتبط هستند. در حوزه لفظ زبان شناسی با صورت یا شکل عناصر زبانی و درحوزه ی محتوا با معنا سروکار دارد. منظور اصلی از معنی شناسی شناخت توانایی سخن گوینان به یک زبان در فهمیدن صحبت ها و پی بردن به منظورهای یکدیگر است. صفت یک عنصر زبانی است که هر نویسنده ای با به کارگیری آن مقصود کلامش را بهمخاطبش می رساند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، کارکردهای دستوری صفات مفهومی همچون بیانی، اشاره، مبهم، پرسشی و تعجبی توصیف شده است. علاوه بر این تعداد آنها در نامه ها و گفت وگوهای برگزیده «تاریخ بیهقی» از قبیل «نامه فتحسلطان مسعود»، «نامه حره ختلی به سلطان مسعود»، «نامه امیر محمود به دربار سلطان مسعود درباره قصه خیشخانه» و «در دوشافه (روباروی سخن گفتن) سلطان مسعود با حصیری» استخراج کرده سپس به تحلیل انگیزه ها و مقاصد بلاغی آنها پرداخته شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که با توجه به بررسی های بلاغی این پژوهش درباره ی انواع صفات مفهومی همچون اشاره، شمارشی، بیانی، تعجبی، پرسشی و مبهم، در سه نامه ی «حره ختلی» «نامه امیر محمود درباره ی قصه خیشخانه»، «نامه ی فتح سلطان مسعود» و دو مشافهه ی سلطان مسعود با حصیری دریافت می شود که صفت بیانی باتعداد ۸۸ بیشترین کاربرد و صفت تعجبی با تعداد ۱ مورد کمترین کاربرد را دارد. مهمترین کارکرد معانی این صفات عبارتند از: ۱. تعظیم، ۲. کثرت، ۳. ابهام، ۴. تحقیر، ۵. تعریف و تاکید، ۶. اعجاب، ۷. پرسش.

## کلمات کلیدی:

صفت، معنا، دستور، تاریخ بیهقی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1979841>

